

معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق در نهج‌البلاغه با نگاه بر مکاتب وظیفه‌گرا و غایت‌گرای اخلاقی

علی سرلک^۱
فاطمه سعیدی^۲

چکیده

هدف: هدف در این پژوهش، دستیابی به مبانی ارزش‌شناختی اخلاق از دیدگاه نهج‌البلاغه بود تا با شناخت آن، بتوان معیارها و ضوابط اخلاقی را بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه استخراج کرد. **روش:** این مقاله با روش داده‌بنیاد انجام شده است. **یافته‌ها:** با توجه به معیارهای ارزشی اخلاق در دو مکتب وظیفه‌گرا و غایت‌گرای اخلاقی، در مکتب اخلاقی امام علی (ع) گزاره‌هایی مبنی بر اخلاق وظیفه‌گرای قاعده‌نگر و سودگرای قاعده‌نگر وجود دارد؛ ولی این امر بدین معنا نیست که این مکتب اخلاقی به طور کامل منطبق با این دو دیدگاه اخلاقی است. **نتیجه‌گیری:** نتایج تحقیق، گویای آن است که دو اصل عدالت و حق‌طلبی، به عنوان معیار ارزش‌شناختی اخلاق در نهج‌البلاغه مطرح شده است. معیارهای تحقق اصل عدالت در نهج‌البلاغه عبارتند از: رعایت انصاف و مساوات، قرار دادن هر چیز در جای خودش، رعایت حقوق و اعتدال و میانه‌روی در روابط انسانها؛ و معیارهای تحقق اصل حق‌طلبی عبارتند از: تحقق آنچه واقعیت و امر واقعی است، رسیدن و دستیابی به حقیقت امور، اجازه و اختیار داشتن انسانها در امور مختلف، در نظر گرفتن استحقاق انسانها و مطالبه حقوقشان.

واژگان کلیدی: اخلاق علوی، معیار ارزش‌شناختی اخلاق، وظیفه‌گرایی اخلاقی، غایت‌گرایی اخلاقی، نهج‌البلاغه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

دریافت مقاله: 98/03/26، تصویب نهایی: 98/08/21

1. خبرگان بدون مدرک/ مربی گروه معارف دانشگاه هنر تهران(نویسنده مسئول) / نشانی: خیابان سرهنگ سخایی، دانشگاه هنر/ نمابر:

Email: sarlak@art.ac.ir /02166465294

2. دکتری علوم و معارف نهج‌البلاغه، دانشگاه پیام نور استان تهران.

الف) مقدمه

امام علی (ع) اخلاقیات نیک و شایسته را تنها چیزی می‌داند که باید بر آن ایستاد و تعصب ورزید و از آن عدول نکرد (نهج البلاغه، خطبه 191). در طول تاریخ، مکاتب و دیدگاههای متنوعی از سوی اندیشمندان و فیلسوفان شرق و غرب در حوزه فلسفه اخلاق پدید آمده است و بسیاری از فیلسوفان، از روزگار یونان باستان تا عصر حاضر، همواره کوشیده‌اند تا متناسب با مبانی فکری و فلسفی خود، دیدگاه اخلاقی خاصی را ارائه دهند.

اخلاق هنجاری، رویکردی در اخلاق است که پایه‌ای‌ترین احکام اخلاقی درباره‌ی درست و نادرست را شناسایی و تبیین می‌کند (هولمز، 1385: 39، 41-42) تا از این طریق، فرد بداند چه کاری برای او از لحاظ اخلاقی درست است و به هنگام تعارضات اخلاقی چگونه باید عمل کند. (مصباح یزدی، 1387: 24)

با توجه به ارزشمندی مسائل و افعال اخلاقی برای انسان و اینکه انسان برای رسیدن به کمال، نیازمند یک نظام ارزشی و مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای اخلاقی است، صاحب‌نظران اخلاق هنجاری، معیارهایی را برای تعیین و تشخیص این ارزشها بیان کرده‌اند. البته همواره در این حوزه اختلاف نظر وجود داشته است، از این رو، با توجه به معیاری که برای تعیین خوب و بد ارائه شده، اخلاق هنجاری¹ به دو دسته نظریات وظیفه‌گرا و غایت‌گرایا قابل تقسیم است. در این مقاله دو دیدگاه اخلاقی مذکور، در مکتب اخلاقی امام علی (ع) بررسی شده است تا با توجه به گزاره‌های نهج البلاغه، معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق در تعیین بایدها و نبایدهای اخلاقی در مکتب اخلاقی امام علی (ع) بیان شود.

ب) بیان مسئله و روش پژوهش

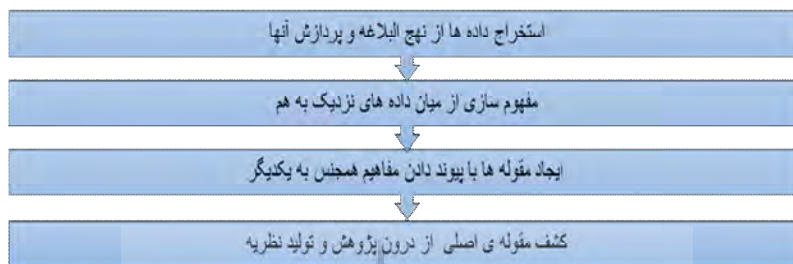
یکی از معضلات امروز در حوزه اخلاق، نبود یا ضعف اخلاق متناسب با آموزه‌های قرآنی، نبوی و علوی است. با توجه به اینکه آموزه‌های علوی و رفتارشناسی اخلاق علوی، جلوه تام آموزه‌های قرآنی و نبوی است، رجوع به آن و استخراج و سازماندهی و تحلیل این اخلاق می‌تواند ترجمانی اساسی و مصداقی از آموزه‌های قرآنی و بیانگر همه مدرسه اخلاقی نبوی باشد. آنچه امروزه در حوزه اخلاق از دیدگاه نهج البلاغه، ضرورتش احساس می‌شود، دستیابی به معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق از دیدگاه نهج البلاغه است تا از این طریق بتوان به معیارها و ضوابط اخلاقی بر اساس آموزه‌های نهج البلاغه دست یافت.

روش این پژوهش، طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات به صورت داده‌بنیاد است. این روش نخستین بار توسط گلاسر و استراوس با رویکرد مفهوم‌سازی نظریه بنیادی به جامعه علمی معرفی شد. در این روش به مطالعه

1. در این مقاله تنها به بررسی نظریات وظیفه‌گرا و غایت‌گرا پرداخته شده است.

171 \diamond معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق در نهج‌البلاغه با نگاه بر مکاتب ...

استقرایی از یک پدیده پرداخته می‌شود و ابتدا سؤال پژوهش مطرح می‌شود و برای دستیابی به پاسخ آن، نکات کلیدی داده‌ها، احصا و برای هر نکته یک کد معین می‌شود و سپس با مقایسه کدها، چند کد که اشاره به جنبه مشترک پدیده مورد بررسی را دارند، عنوان یک مفهوم به خود می‌گیرند و سپس، چند مفهوم، یک مقوله و چند مقوله، در قالب یک نظریه متجلی می‌شود. (دانایی‌فرد، 1384: 58-59)



شکل 1: گام‌های اصلی پژوهش در فرایند خلق معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق با روش داده‌بنیاد

ج) پیشینه پژوهش

صاحب‌نظران علم اخلاق، در تعیین و تشخیص معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق، همواره اختلاف نظر داشته‌اند که از جمله این مکاتب اخلاقی می‌توان به دیدگاه وظیفه‌گرایانه و غایت‌گرایانه اشاره کرد.

1. مکتب وظیفه‌گرایی

اصطلاح «دئونتولوژی»¹ به معنای وظیفه‌شناسی یا علم به وظایف اخلاقی، رویکردی در اخلاق است که بر درستی و نادرستی ذاتی اعمال به جای خوبی و بدی نتایج آنها توجه دارد (جاکویر، 1396: 65). در این دیدگاه، عمل یا قاعده یک عمل می‌تواند درست یا الزامی باشد، حتی اگر بیشترین غلبه خیر بر شر را برای خود شخص، جامعه و جهان به وجود نیاورد. در این دیدگاه، وجوه خاصی از خود عمل، مورد توجه است. برای مثال، این واقعیت که وفای به عهد، عادلانه یا متعلق امر خدا یا متعلق دولت است (فرانکتا، 1392: 46-47). مکتب وظیفه‌گرای اخلاقی، دارای انواع و تقریرهای متعددی است که به دلیل محدودیت مقاله، به عنوان پیشینه، به نظریه کانت و نظریه امر الهی اشاره شده است.

یک) نظریه کانت

به گفته کانت: «هیچ چیز در جهان و حتی بیرون از جهان نمی‌تواند بی‌قید و شرط، خوب دانسته شود؛ مگر نیت یا اراده خوب» (کانت، 1369: 12). از نظر او، اراده خیر، یگانه چیزی است که به شکل نامشروط و فی‌نفسه

خیر است و خیر بودن آن در گرو این نیست که در راه نیل به اغراض خویش به سرمنزل توفیق برسد(هولمز، 1385: 235). در دیدگاه کانت، فقط اعمالی که برای ادای تکلیف انجام می‌شود، دارای ارزش اخلاقی است(فروغی، 1375: 351). او معتقد است ارزش اخلاقی کارهای اختیاری انسان، محصول و معلول نتایج آنها نیست، بلکه معلول قاعده‌ای است که عامل آن اتخاذ کرده است و این قاعده برای اینکه به اعمال او ارزش اخلاقی ببخشد، باید ناشی از اطاعت از قانون و احترام به قانون باشد(کاپستون، 1380، ج 6: 326). او این قاعده را در اخلاق با عنوان امر مطلق(قاعده زرین) بیان می‌کند و تقریرهای مختلفی از آن ارائه می‌دهد. گاهی آن را چنین بیان کرده است: «تنها بر پایه آن آیینی رفتار کن که در عین حال بخواهی قانونی عام باشد». در سخنی دیگر می‌گوید: «چنان عمل کن که گویی بناست آیین رفتار تو، به اراده تو، یکی از قوانین عام طبیعت شود» و گاهی نیز آن را اینگونه بیان می‌کند: «چنان رفتار کن تا بشریت را چه در شخص خود و چه در شخص دیگری، همیشه به عنوان یک غایت بشماری و نه هرگز همچون وسیله»(کانت، 1369: 60-61، 74). بنابر این، قاعده تعمیم‌پذیری(قاعده زرین)، معیار تعیین کانت در تعیین خوب و بد در اخلاقیات است.

دو) نظریه امر الهی

این نظریه که به حسن و قبح الهی نیز شناخته شده، از جمله مکاتب وظیفه‌گرا با سابقه‌ای دیرینه است و از زمان سقراط تاکنون مورد بحث و جدل بوده است. چنانچه در مناظره‌ای، سقراط از اوئوفرون می‌پرسد: «آیا چون خداوند به چیزی امر کرده است، آن چیز صواب است؛ یا چون آن چیز صواب است، خداوند به آن فرمان داده است؟»(فلاطون، 1380، ج 1: 238)

این دیدگاه، بر این امر تکیه دارد که اخلاق از جهتی وابسته به اراده الهی است و این وابستگی، بر مبنای اوامری از جانب خداوند است که بیانگر اراده اوست(کوین، 1392: 371). طرفداران نظریه امر الهی، تعیین خوبی و بدی افعال و صفات را تنها به خواست و اراده خداوند نسبت می‌دهند. طبق این نظریه، اولاً ذاتی بودن ارزشها و خوبی و بدی‌های اخلاقی مبتنی بر امر و نهی خداوند است و کارهای آدمی ذاتاً نه خوب‌اند و نه بد؛ لذا هرچه را خداوند خوب بداند، خوب و هرچه را بد بداند، بد است. ثانیاً، تنها از طریق همان امر و نهی خداوند است که می‌توان به شناخت خوب و بد و تعیین ارزش اخلاقی اعمال دست یافت و از این نظر نیز شناخت خوبی و بدی امری عقلی نیست و تنها از طریق شرع و مراجعه به فرمانهای خداوند باید مصادیق خوبی و بدی را شناخت(سبحانی، 1420: 85-61). در نتیجه در این دیدگاه اخلاقی، امر و نهی الهی، معیار تشخیص خوب و بد در اخلاقیات است.

2. مکتب غایت‌گرایانه

اصطلاح «تلوولوژی»¹ به معانی غایت‌شناسی، فرجام‌گرایی و فرجام‌شناسی است و در معنایی کلی، به معنی قصدمندی و سعی کردن به سوی یک هدف و گرایش داشتن به سوی یک غایت خاص است (جاکويز، 1396: 130). این دیدگاه اخلاقی، ملاک اساسی یا نهایی درست، نادرست و الزام را به لحاظ اخلاقی، میزان خیر نسبی ایجادشده یا غلبه نسبی خیر بر شر می‌داند. بنابر این، تنها در صورتی عملی صواب است که خودش یا قاعده‌ای که تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد، دست کم به اندازه هر بدیل ممکن دیگری، غلبه خیر بر شر را ایجاد کند و تنها در صورتی خطاست که چنین نکند (فرانکا، 1392: 45). با توجه به محدودیت مقاله، در بین نظریات غایت‌گرا، دیدگاه اخلاقی سودگرا به عنوان پیشینه این بحث در نظر گرفته شده است.

یک) مکتب سودگرایی

سودگرایی، نظریه‌ای مشهور درباره اصول بنیادین اخلاق است. این نظریه می‌گوید: رفتار انسانی باید منافع یا رفاه افرادی را که تحت تأثیر آن رفتارند، فراهم کند (لارنس، 1380: 31). در این دیدگاه، ارزش نتایج اعمال، تعیین‌کننده درستی و نادرستی آنهاست و بایستی تا جایی که می‌توانیم برای همگان بیشترین فزونی خوب یا خیر را بر بد ایجاد کنیم. (هولمز، 1385: 271-270)

نکته مهم در این رویکرد اینکه، نسبت به ماهیت مصالح و منافع در این دیدگاه، که همان شادکامی و لذت و درد و رنج‌اند، دو گرایش وجود دارد: نخست، گرایش جرمی بنیاد، که مراد او از سود، ایجاد سعادت است و بایستی عملی انجام داد که حداکثر سعادت ممکن را برای گروه‌های متأثر از آن عمل، ایجاد کرد (پالمر، 1388: 128) و دوم، گرایش جان استوارت میل، که معتقد است لذت، یگانه خیر ذاتی است و ایجاد لذت و ممانعت از الم است که تصمیمات اخلاقی را معین می‌کند. او ارزیابی کاملاً کمی بنیاد را از لذت رد می‌کند و ارزیابی کیفی را جایگزین آن می‌سازد. او برخی از لذتها؛ یعنی لذتهای مربوط به روح را برتر و گرامی‌تر از لذتهای جسمانی می‌داند (همان: 137). از سویی، مکتب سودگرایی بر این نگرش استوار است که هدف، ابزار را توجیه می‌کند (مونز، 1385: 78)؛ زیرا آنچه در این دیدگاه اهمیت دارد، پیشینه‌سازی خیر است و افراد و روابط انسانی، نقش وسیله را برای رسیدن به هدف دارند.

سودگرایی تقریرهای مختلفی دارد که می‌توان به دو دیدگاه سودگرایی عمل‌نگر و سودگرایی قاعده‌نگر اشاره کرد.

سودگرایی عمل‌نگر: سودگرایان عمل‌نگر معتقدند همواره یا در هر جای ممکن، باید با توسل مستقیم به اصل سود، صواب یا الزامی بودن امور را تعیین کرد و با تأمل در موارد مختلف، دانست که کدام یک از

افعال پیش رو، به تحقیق یا به احتمال، بیشترین غلبه خیر بر شر را در جهان ایجاد می‌کند. سودگرایی عمل‌نگر اجازه استفاده از هیچ قاعده یا تعمیمی از تجارب گذشته را نمی‌دهد و اصرار دارد که در تک‌تک موارد باید آثار و نتایج همه اعمال پیش روی خود را بر رفاه عمومی و سود اکثری از نو سنجیده و محاسبه کنیم. جرمی بنتام، جی.ای. مور و جی.جی.سی. اسمارت این دیدگاه را پذیرفته‌اند. (فرانکا، 1392: 88-87)

سودگرایی قاعده‌نگر: این نوع از سودگرایی، پیامدها را بر حسب خیرهای گوناگون، از جمله: فضیلت، معرفت، لذت، حیات و آزادی ارزشگذاری می‌کند. باید کاری را انجام داد که مورد توصیه قواعدی است که اگر افراد جامعه سعی کنند از آنها پیروی کنند، بهترین پیامدها را خواهند داشت (گنسر، 1387: 264). این دیدگاه به جان استوارت میل منتسب شده است. (فرانکا، 1392: 94)

علاوه بر نظریات مذکور، تاکنون مقالات متعددی در موضوع وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی اخلاقی و مسائل پیرامون آن در نگاه دینی تألیف شده است؛ از جمله: «بررسی و تبیین مسئله پیامدگرایی و تکلیف‌گرایی در آموزه‌های اسلامی» (شیراوند و رنجکش، 1395)؛ «پیامدگرایی اخلاقی در عرفان اسلامی» (اسلامی، 1390)؛ «تکالیف انسان نسبت به دیگران در نگرش کانت و سنت اسلامی» (مجله، 1391) و «از حق به تکلیف؛ تأملی در مفهوم حق و تکلیف در اسلام» (بهشتی، 1386).

با بررسی محتوای مقالات، موضوع معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق، به صورت خاص در نهج‌البلاغه، پژوهش نشده و این امر، وجه تمایز مقاله حاضر با دیگر پژوهش‌هاست.

د) جایگاه وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی اخلاقی در مکتب اخلاقی امام علی (ع)

یکی از مبانی اساسی اخلاق در دیدگاه امام علی (ع)، نگاه مسئولانه به وظایف است. در نگاه امام (ع) حیطه وظیفه‌شناسی، حیطه گسترده‌ای است که دامنه پاسداری اخلاق را به سرزمینها، شهرها، جانداران و چارپایان می‌کشد و حرمت و کرامت آدمیان را در قله این دامنه می‌نشانند (دلشاد تهرانی، 1379: 120-117). حضرت می‌فرماید: «[خدا] حرمت مسلمان را از دیگر حرمتها برتر نهاده و حقوق مسلمان را با اخلاص و یگانه‌پرستی پیوند داده ... خدا را واپایید در حق شهرهای او و بندگان، که شما مسئولید، حتی از سرزمینها و چهارپایان. خدا را فرمان برید و او را نافرمانی مکنید. اگر خیری دیدید، آن را دریابید و اگر شری دیدید روی از آن بتابید.» (نهج‌البلاغه، خطبه 167)

از آنجا که سعادت و خوب زیستن، آرزوی هر انسانی است و آدمی همواره به دنبال مجموعه‌ای از فرامین و دستورات است تا خوب و بد را تشخیص دهد و با عمل به آنها روابط خویش را با دیگر انسانها و محیط پیرامون خود بهبود بخشد، لازم است با بررسی در متن نهج‌البلاغه این معیارها را ارزیابی کنیم. از

معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق در نهج‌البلاغه با نگاه بر مکاتب ... 175

سویی، در مکتب اخلاقی امام علی(ع)، در کنار اهمیت دادن به رعایت وظایف اخلاقی، نتایج و غایات امور اخلاقی هم مورد توجه است و این گونه نیست که از مسائل اخلاقی و پیامدهای آن غفلت شود؛ بلکه در نگاه امام(ع) اعمال اخلاقی دارای غایت و نهایتی است: «سفارش می‌کنم شما را به ترس از خدایی که آفرینشان را آغاز فرمود و بازگشتنشان بدو خواهد بود». (نهج‌البلاغه، خطبه 198)

هر انسانی، پیامدها و نتایج امور اخلاقی خویش را دریافت می‌کند: «آن که کار امانت را سبک شمارد و در آن خیانت روا دارد و جان و دین خود را از خیانت پاک نکند، در این جهان در خواری و رسوایی را به روی خویش گشاید و به آخرت خوارتر و رسواتر درآید». (همان، نامه 26)

از آنجا که اغلب برای فهم بهتر دو دیدگاه وظیفه‌گرا و غایت‌گرای اخلاقی، آنها را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهند، نویسنده در فکر تلفیق این دو دیدگاه نیست، بلکه به دنبال این پاسخ است که با بیان نسبت این دو دیدگاه اخلاق هنجاری با گزاره‌های اخلاقی امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، به بیان معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه دست یابد.

1. استخراج مفاهیم اخلاق وظیفه‌گرا و غایت‌گرا از گزاره‌های نهج‌البلاغه

این مرحله، شکلی از تحلیل محتوای است که در پی یافتن و مفهوم‌سازی موضوع شاخصهای وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی اخلاقی در میان انبوه داده‌ها در گزاره‌های نهج‌البلاغه است و در قالب جدول¹ نمود پیدا کرده است. مفاهیم که عبارت از واحدهای پایه‌ای یا خرد تحلیل‌اند (دائی‌فرد و امامی، 1386: 81)، از متن نهج‌البلاغه جمع‌آوری شده است.

نکته مهم در خصوص گزاره‌های استخراج‌شده آن است که این گزاره‌ها از سوی معصومین(ع)، لزوماً در ارتباط با دو نظریه مذکور بیان نشده و هر کدام در موقعیتی ویژه و در ارتباط با موضوعی خاص است؛ اما می‌توان با استفاده از مطالعه نظریات وظیفه‌گرا و آگاهی‌هایی² که برای ورود به متن نهج‌البلاغه لازم است، از مفهوم آنها در جهت موضوع پژوهش بهره گرفت.

1. در جداول ابتدا خطبه‌ها، سپس نامه‌ها و حکمتها آمده است و کدگذاری به صورت انتخابی و باز است. حروف PA برای خطبه‌ها، PB برای نامه‌ها و PC برای حکمتها انتخاب شده است.

2. این آگاهی‌ها عبارتند از: دانشهای درونی متن نهج‌البلاغه، شامل شناخت مفردات، مرکبات، مجازها، گردآوری قرینه‌ها و تشکیل خانواده حدیث؛ و دانشهای ورود به متن نهج‌البلاغه، شامل شناخت جغرافیای سخن (فضای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی)، شناخت سبب صدور متن، نظر، شناخت تاریخ ایراد کلام، مخاطب‌شناسی، موضوع‌شناسی و اهداف متن نظر در مقام بیان کلام نهج‌البلاغه. (دلشادتهرانی، 1391: 5)

جدول 1: ظهور مفاهیم اخلاق و وظیفه‌گرا و غایت‌گرا مستخرج از نهج البلاغه

1	من تا زنده‌ام به یاری جوینده حق، رویگردان از آن را می‌زنم و با فرمانبر یکدل، نافرمان بددل را. (کلام 6)	PA22	یاری و احیای حق
2	به خدا، اگر بینم که [بیت‌المال] به مهر زنان یا بهای کتیزان رفته باشد، آن را بازمی‌گردانم که در عدالت گشایش است و آن که عدالت را برنتابد، ستم را سخت‌تر یابد. (کلام 15)	PA10	جدیت برخورد در تقسیم ناعادلانه بیت‌المال
3	و اگر سر باز زندی، تیغ تیز در کار است، که درمان نابکار است و حق را یار است. (خطبه 22)	PA15	جدیت در اجرای حق
4	شگفتا از من می‌خواهند به میدان کارزار آیم و در نبرد پایداری کنم! مادر بر آنان بگیرد، تا کتون کس مرا از جنگ نهراسانده و از شمشیر نترسانده، که من به خدای خود یقین دارم و در دین خویش شبهتی نیارم. (خطبه 22)	PA11	جهاد در راه حق
5	از خدا بترسید چنانکه سزا باشد، نه ترسی که عذرخواه گناهان شما باشد. برای خدا کار کنید نه برای نشان دادن به دیگران یا نشودن این و آن، که هر کس برای جز خدا کاری کند، خدا او را به وی وامی‌گذارد. (خطبه 23)	PA2	جلب رضایت حق تعالی
6	به جانم سوگند، در جنگ با کسی که در راه حق قدم نگذارد و در گمراهی گام بردارد، سستی نپذیرم و راه نفاق پیش نگیرم. (خطبه 24)	PA7	پایداری در مسیر حق
7	هر که جهاد را واگذارد و ناخوشایند داند، خدا جامه خواری بر تن او پوشاند و فوج بلا بر سرش کشاند و در زیونی و فرومایگی بماند. دل او در پرده‌های راهی نهان، و حق از او روی گردان. به خواری محکوم و از عدالت محروم. (خطبه 27)	PA133	جهاد در راه حق با توجه به نتایج ترک آن
8	به خدا که من در آن صف پیکار بودم تا- سپاه جاهلیت- درماند، و یکباره روی بگرداند. نه ناتوان بودم و نه ترسان، امروز هم من همانم و آنان همان. باطل را می‌شکافم تا حق از کنار آن به در آید. (خطبه 33)	PA18	جهاد در راه حق
9	به خدا این را از حکومت شما دوست‌تر دارم مگر آنکه حقی را بر پا سازم یا باطلی را براندم. (خطبه 33)	PA23	ارزش ذاتی حق
10	خواری نزد من، گران‌مقدار تا هنگامی که حق او را بدو برگردانم و نیرومند، خوار تا آن گاه که حق را بازستانم. (کلام 37)	PA8	جدیت در اجرای حق
11	پس استوار باشید و پایدار، تا حق برای شما روشن گردد و پدیدار، که «شما برترید و خدا با شماست، و از پاداش کردارتان نخواهد کاست». (کلام 66)	PA16	پایداری در مسیر حق
12	پس بیایی بستیزید و شرم کنید از آنکه بگریزید، که گریز برای بازماندگان مایه تنگ است و ملامت، و آتشی برای روز قیامت است. (کلام 66)	PA139	جهاد در راه حق با توجه به نتایج ترک آن
13	فرزندان امیه میراث محمد (ص) را اندک‌اندک به من می‌رسانند، چنانکه شتر بیچه را اندک‌اندک شیر بنوشانند. به خدا که اگر زنده مانم، بیت‌المال را پراکنده گردانم، چنانکه قضاب پاره شکمبه خاک آلوده را به دور افکنم. (کلام 77)	PA5	جدیت برخورد در تقسیم ناعادلانه بیت‌المال
14	به خدا سوگند، من در دنباله آن سپاه بودم تا یکباره پشت کرد و سر به حکم اسلام درآورد. نه سست شده‌ام، نه ترسانم، نه خیانت کرده‌ام، نه ناتوانم. به خدا سوگند، درون باطل را چاک می‌زنم تا حق را از تهیگاه آن بیرون کنم. (خطبه 104)	PA184	جدیت در اجرای حق
15	همانا، بر امام نیست جز آنچه از امر پروردگار به عهده او واگذار شده: کوتاهی نکردن در موعظت، و کوشیدن در نصیحت، و زنده کردن سنت، و جاری ساختن حدود پر مستحقان، و رساندن سهم‌های- بیت‌المال- به درخور آن. (خطبه 105)	PA190	حقوق متقابل حاکم و مردم
16	گوییم شما را می‌نگرم، صغیر زنان و در حال فرار، چون گله‌ای از سوسمار که می‌خزند و نشان به هم می‌ساید، و آوایی نرم از آن برمی‌آید... نه حقی را می‌گیرید و نه ستمی را باز می‌دارید. اینک شما باید راهی که پیش روی دارید. رهایی از آن کسی است که خود را به خطر افکند، و تباهی از آنکه در کار درنگ کند. (کلام 123)	PA334	جهاد در راه حق با توجه به نتایج ترک آن
17	به خدا سوگند، اگر از شمشیر این جهان گریختید، شمشیر آن جهان را به روی خود آهیند. شما دلایران عریبد، و چابکسواران، و مردمان دیداری، و شناختگان. گریختن، خشم خدا را برمی‌انگیزاند و خواری و تنگ آن همیشه می‌ماند. آن که گریزد، عمر خود را نیزایند، و نرهد از آنچه روزی بر سرش آید. (کلام 124)	PA187	جهاد در راه حق با توجه به نتایج ترک آن
18	اگر مال از آن من بود، همگان را برابر می‌داشتم - که چنین تقسیم سزااست - تا چه رسد که مال، مال خداست. (کلام 126)	PA167	عدالت در تقسیم بیت‌المال
19	مرا فرمان می‌دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن در باره آن که والی اویم به خدا که، نپذیرم تا جهان	PA120	عدم استفاده از ستم برای

معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق در نهج‌البلاغه با نگاه بر مکاتب ... 177

پیروزی		سرآید، و ستاره‌ای در آسمان پی ستاره‌ای برآید. (کلام 126)	
یاری و احیای حق	PA176	جز حق مؤمن تو می‌باشد، و جز باطل تو را نترساند. کلام 130	20
اجرای عدالت در مدیریت	PA169	خدایا تو می‌دانی آنچه از ما رفت، نه به خاطر رغبت در قدرت بود، و نه از دنیای ناچیز خواستن زیادت. بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین را به جایی که بود بنشانیم، و اصلاح را در شهرهای ظاهر گردانیم. تا بندگان ستم‌دیده‌ات را ایمنی فراهم آید، و حدود ضایع مانده‌ات اجرا شود. (کلام 131)	21
جدّیت برخورد با ستمگر	PA123	به خدا سوگند، که داد ستم‌دیده را از آن که بر او ستم کرده بستانم و مهار ستمکار را بگیرم و به ناخواه او تا به آب‌شخور حق کشانم. (کلام 136)	22
جدّیت در اجرای حق	PA183	اگر محنت آزمایش از ما و ایشان برداشته شود، آنان را به راهی برم که سراسر حق است، و اگر کار رنگ دیگری پذیرد؛ هیس جان خود را به دریغ بر سر آن منم، که خدا بدانچه می‌کنند داناست. (کلام 162)	23
اجرای حق با توجه به نتایج آن	PA322	اما شما سرگردان شدید چون سرگردانی اسرائیلیان. و به جانم سوگند، که این سرگردانی پس از من افزون گردد چندان. چرا که حق را پشت سر نهادید و از آن گسستید، از نزدیک بریدید، و به دور پیوستید. (خطبه 166)	24
جدّیت در اجرای حق	PA189	بدانید که من با دو کس می‌ستیزم: آن که چیزی را خواهد که حق آن را ندارد، و آن که حقی را که برگردن اوست ننگاراد. (خطبه 173)	25
جهاد در راه حق	PA7	دریغ از برادرانم... به جهاد خوانده شدند و پذیرفتند. به پیشوای خود اعتماد کردند و در پی او رفتند. [سپس به بانگ بلند گفت:] جهاد جهاد بندگان خدا من همین امروز لشکر آماده می‌کم. کسی که می‌خواهد به سوی خدا رود بیرون شود. (خطبه 182)	26
جهاد در راه حق	PA55	هان بدانید که شما رشفه پیوند با اسلام را گسستید و حدود آن را شکستید و احکام آن را کار نیتید. بدانید که خدا مرا فرموده است با تجاوزکاران و پیمان‌گسلان، و تبهکاران در زمین بیکار کنم. اما با پیمان‌گسلان جنگیدم و با از حق بیرون شدگان ستیزیدم و از دین بیرون‌شدگان را زیون ساختم. (خطبه 192)	27
جلب رضایت حق	PA80	من از مردمی هستم که در راه خدا از سرزنش ملامت‌کنندگان بازمی‌ایستد. (خطبه 192)	28
نتایج ستم کردن	PA84	پرهیزد از سرکشی در این جهان و برترسید از کثیر ناخوشایند ستم در آن جهان. (خطبه 192)	29
جهاد در راه حق	PA70	پس با دل بینا به راه افتید و نیت خویش را در جهاد با دشمن خود راست بدارید که به خدایی که جز او خدایی نیست من به راه حق می‌روم و آنان بر لغزشگاه باطلند. (خطبه 197)	30
یاری و احیای حق	PA83	خدا پیامرزد کسی را که حقی بیند و یاری آن کند یا ستمی بیند و آن را بازگرداند، و خداوند حق را یاور بود تا حق را بدو برساند. (کلام 205)	31
حق الهی بر بندگان	PA63	لیکن خدا حق خود را بر بندگان، اطاعت خویش قرار داده و پادش آنان را در طاعت، دو چندان یا بیشتر نهاده. (خطبه 216)	32
نتایج رعایت حقوق متقابل حاکم و رعیت	PA161	پس چون رعیت حق والی را بگزارد و والی حق رعیت را بجا آرد، حق میان آنان بزرگ‌مقدار شود و راههای دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برجا و سنت چنانکه باید اجرا. پس کار زمانه آراسته شود و طمع در پایداری دولت پیوسته و چشم از دشمنان بسته. (خطبه 216)	33
پرهیز از ستم	PA95	به خدا، اگر شب را روی اشتر خار مانم بیدار، و از این سو بدان سویم گشند در طوفهای آهنین گرفتار، خوشتر دارم تا روز رستاخیز بر خدا و رسول (ص) درآیم، بر یکی از بندگان ستمکار، یا اندک چیزی را گرفته باشم به ناسزاوار. (کلام 224)	34
اجرای حق با توجه به نتایج آن	PA233	آگاه باش آن که در راه حق از پا در آید، راه خود را به بهشت گشاید، و آن را که باطل ناپود گرداند، به دوزخش کشانند. (نامه 17)	35
رعایت عدالت در دادن حقوق مردم	PB3	و تو را در این زکات‌بهری معین است و حقی معلوم و روشن و شریک‌انی داری درویش و ناتوان و پریش. ما حق تو را به تمام می‌بردازیم، پس باید حقوق آنان را تمام به آنان برسانی و گزیده روز رستاخیز دارای بیشترین خصمانی. (نامه 26)	36
اجرای عدالت در مدیریت	PB60	با آنان فروتن باش و نرم‌خو، و هموار و گشاده رو، و به یک چشم بنگر به همگان، خواه به گوشه چشم نگری و خواه خیره شوی به آنان، تا بزرگان در تو طمع ستم بر ناتوانان نبینند و ناتوانان از عدالت مأیوس نگردند. (نامه 27)	37
پایداری در مسیر حق	PB61	برای حق به هر دشواری هر جا بود در شو. (نامه 31)	38

178 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 82

39	پس از خدا بیم دار و مالهای این مردم را باز سپار، و اگر نکستی و خدا مرا باری دهد تا بر تو دست یابم کیفیت دهم که نزد خدا عذرخواه من گردد، و به شمشیریت بزنم که کس را بدان نزدم جز که به آتش در آمد. به خدا اگر حسن و حسین چنان کردند که تو کردی از من روی خوش ندیدندی، و به آرزویی نرسیدندی، تا آنکه حق را از آنان بستانم و باطلی را که به ستمشان پدید شده نابود گردانم. (نامه 41)	PB201	اجرای عدالت در برابر نزدیکان
40	بدانید حق شماسست بر من که چیزی را از شما نبوشانم جز راز جنگ- که از پوشاندن آن ناگذارم-، و کاری را جز- در حکم- شرح بی رأی زدن با شما انجام ندهم، و حق شما را از موقع آن به تأخیر نیفکیم، و تا آن را نرسانم و فقه‌ای در آن روا ندانم، و همه شما را در حق برابر دانم، و چون چنین کردم نعمت دادن شما بر خداست و طاعت من بر عهده شماسست، و چون شما را خواندم درنگ ندارید، و در آنچه صلاح است پای پس مگذارید، و در سختی‌ها در شوید- و آن را آسان شمارید. (نامه 50)	PB200	رعایت حقوق متقابل حاکم و مردم
41	و اگر خدا برای ستم و بیداد که از آن نهی فرمود کیفیتی که از آن ترسند نمی‌نهاد، ثوابی که در پرهیز از آن است جای عذری برای نخواستن آن نمی‌گذارم. (نامه 51)	PB173	ثواب و عقاب برای عمل یا ترک ستم کردن
42	و آن کس را بر دیگران بگزين که سخن تلخ حق را به تو بیشتر گوید، و در آنچه کنی یا گویی و خدا آن را از دوستانت ناپسند دارد- کمتر یاری ات کند. (نامه 53)	PB192	التزام به حق در امر مدیریت
43	نیز والی را نزدیکان است و خویشاوندان که خوی برتری جستن دارند و گردن‌فرازی کردن و در معاملت انصاف را کمتر به کار بستن. ریشه ستم اینان را با بریدن اسباب آن برآر و به هیچ یک از اطرافیان و خویشاوندان زمین را به بخشش وامگذار، و مبادا در تو طمع کنند با بستن پیمانی که مجاور آنان را زیان رساند در بهره که از آب دارند، یا کاری که باید با هم به انجام رسانند و رنج آن را بر عهده دیگران نهند، پس بر آنان تنها گوارا افتد و عیب آن در دنیا و آخرت بر تو ماند. (نامه 53)	PB1440	جلوگیری از سوء استفاده نزدیکان در امور حکومت
44	پس حکومت خود را با ریختن خون ناروایی نیرومند مگردان، زیرا چنان کاری نه تنها از عوامل ناتوان کردن و سست کردن قدرت، که باعث نابودی و به دست دیگران افتادن هم می‌شود. (نامه 53)	PB202	پرهیز از خونریزی برای پیروزی
45	و پرهیز از خونخواهی، و ریختن آن به ناروا، که چیزی چون ریختن خون به ناحق- آدمی را به کیفر نرساند، و گناه را بزرگ نگرداند، و نعمت را نبرد، و رشته عمر را نبرد. (نامه 53)	PB218	نتایج ریختن خون بی‌گناه
46	و هیچ چیز چون بنیاد ستم نهادن، نعمت خدا را دگرگون ندارد، و کیفر او را نزدیک نیارد. (نامه 53)	PB320	نتایج ستم کردن
47	اما بعد، چون والی را هواها گونه‌گون شود او را از بسیاری عدالت، باز دارد. پس باید کار مردم در آنچه حق است، نزد تو یکسان باشد، که ستم را با عدل عوض ندهند. (نامه 59)	PB54	اجرای عدالت در مدیریت
48	و نفس خود را در کاری (اجرای عدالت و حق) که خدا بر تو واجب فرمود در باز، حلی که پاداش آن را امیدواری و از کیفرش ترسان. (نامه 59)	PB141	وجود پاداش در اجرای حق و عدالت
49	گاه آدمی به چیزی شاد می‌شود که از او نخواهد برید و به چیزی اندوهناک می‌شود که بدان نخواهد رسید. پس مبادا نیکوترین چیز که از دنیای خود برخورداری، رسیدن به لذتی بود یا به کار بردن خشمی که در سینه داری. بلکه باید باطلی را بامیرائی یا حقی را زنده گردانی. (نامه 66)	PB36	یاری و احیا حق
50	من سخن آن کسی را که باطل گوید بر خود هموار کردن توانم. (نامه 78)	PB76	مبارزه با باطل
51	اما بعد، آنان که پیش از شما بودند تباه گردیدند، چون حق مردم را ندادند تا آن را به رشوت خریدند و به راه باطلشان بردند، و آنان پیرو آن گردیدند. (نامه 79)	PB219	نتایج عدم رعایت حق
52	فرمان خدا را بر پا ندارد جز کسی که- در حق- مدارا نکند و خود را خوار نسازد و بی طمعها نتازد. (حکمت 110)	PC44	جدیّت در اجرای حق
53	از آن هنگام که حق را به من نمودند، در آن دو دل نگردیدم. (حکمت 184)	PC203	پایداری در مسیر حق
54	کسی که به وسیله گناه پیروز شود، پیروز نیست و کسی که با شر و ستم چیره گردد، در واقع شکست خورده است. (حکمت 327)	PC61	پرهیز از ستم و گناه برای رسیدن به پیروزی
55	کار به عدالت کن و از ستم و بیداد پرهیز که ستم رعیت را به آوارگی وادارد و بیدادگری شمشیر را در میان آرد. (حکمت 476)	PC138	نتایج ستم

2. استخراج مقوله‌های اخلاق وظیفه‌گرا و غایت‌گرا از نهج‌البلاغه

پس از مشخص شدن مفاهیم، که در بر دارنده گزاره‌هایی است که می‌توان مفهوم وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی اخلاقی را از طریق آنها از متن نهج‌البلاغه استنباط کرد، مفاهیم برخوردار از قرابت معنایی که امکان گردآوری آنها تحت یک چتر معنایی وسیع‌تر وجود داشت، در قالب مقوله‌ها دسته‌بندی شدند.

جدول 2: ظهور مقولات اخلاق وظیفه‌گرا و غایت‌گرا مستخرج از نهج‌البلاغه

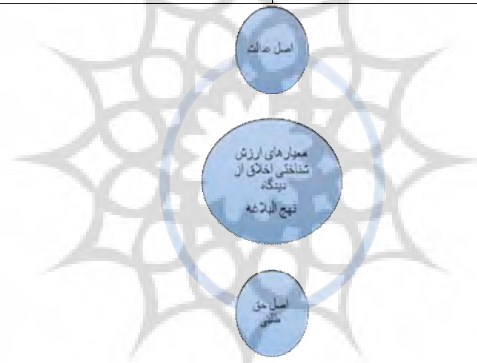
مقولات	مفاهیم	ردیف
اصل عدالت	عدم استفاده از ستم برای پیروزی	1
	نتایج ستم کردن	2
	جلوگیری از سوء استفاده نزدیکان در امور حکومت	3
	رعایت عدالت در دادن حقوق مردم	4
	پرهیز از خونریزی برای پیروزی	5
	نتایج ریختن خون بی‌گناه	6
	اجرای عدالت در برابر نزدیکان	7
	جذبت برخورد در تقسیم ناعادلانه بیت‌المال	8
	عدالت در تقسیم بیت‌المال	9
	اجرای عدالت در مدیریت	10
	وجود ثواب و عقاب برای عمل یا ترک ستم کردن	11
	جذبت برخورد با ستمگر	12
	پرهیز از ستم	13
اصل حق‌طلبی	رعایت حقوق متقابل حاکم و رعیت	14
	یاری و احیای حق	15
	جذبت در اجرای حق	16
	جهاد در راه حق	17
	جلب رضایت حق تعالی	18
	جهاد در راه حق با توجه به نتایج ترک آن	19
	پایداری در مسیر حق	20
	ارزش ذاتی حق	21
	نتایج رعایت حقوق متقابل حاکم و مردم	22
	حق الهی بر بندگان	23
	مبارزه با باطل	24
	اجرای حق با توجه به نتایج آن	25
	التزام به حق در امر مدیریت	26

3. استخراج مقوله اصلی

در این مرحله از پژوهش، از روابط بین مقوله‌های مستخرج از نهج‌البلاغه که عبارت از توجه به اصول عدالت و حق‌طلبی است، شرحی انتزاعی بر فرایندی که در مقاله صورت گرفته، ارائه شده است و مقوله‌محوری (دانایی فرد و امامی، 1386: 87) که شامل مضمون اصلی پژوهش است و کلیتی را تشکیل می‌دهد که سایر مقولات بر محور آن گرد می‌آیند، به گونه‌ای اکتشافی از درون متن نهج‌البلاغه برآمده است (استراوس و کریبن، 1385: 118). این مقوله اصلی عبارت است از: معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق از دیدگاه نهج‌البلاغه، که در جدول 3 و شکل 2 نشان داده شده است.

جدول 3: معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق از دیدگاه نهج‌البلاغه

مقولات	مقوله اصلی	ردیف
اصل عدالت	معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق، از دیدگاه نهج‌البلاغه	1
اصل حق‌طلبی		



شکل 2: معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق از دیدگاه نهج‌البلاغه

4. اصول عدالت و حق‌طلبی، معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق در نهج‌البلاغه

امام علی (ع) در تمام عمر پربهرکتشان، در هیچ امری، عملی مغایر با وظیفه انجام ندادند؛ که معیار تشخیص آن را مطابقت با دو اصل عدالت و حق‌طلبی در اخلاقیات می‌توان معرفی کرد. ایشان از همان آغاز خلافت، حکومت را وسیله‌ای برای انجام تکالیف و تحقق عدالت معرفی فرمودند: «به خدایی که دانه را کفید و جان را آفرید، اگر این بیعت کنندگان نبودند و یاران، حجّت بر من تمام نمی‌کردند و خدا علما را نفرموده بود تا ستمکار شکمباره را برنتابند و به یاری گرسنگان ستمدیده بشتابند، رشته این کار را از دست می‌گذاشتم و پایش را چون آغاز می‌انگاشتم و چون گذشته، خود را به کناری می‌داشتم» (نهج‌البلاغه، خطبه 3). امام (ع) نه به خاطر خود دنیا و طمع در خلافت، بلکه برای نظام بخشیدن به خلق و اجرای امور بر قانون عدالت، همان‌گونه که خداوند از علما برای اجرای این امور پیمان گرفته است، خلافت را پذیرفتند و اگر غیر این

181 **◆** معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق در نهج‌البلاغه با نگاه بر مکاتب ...

بود، خلافت را چنان که اول رها کردند، باز هم کنار می‌گذاشتند. در آن صورت، مردم می‌دیدند که دنیای آنان در نزد امام(ع)، به اندازه آب بینی بزم هم ارزش نداشت. (ابن میثم، 1375، ج 1: 533)

امام(ع)، عدالت را نه تنها تکلیف و وظیفه الهی، بلکه ناموس الهی می‌داند و هرگز روا نمی‌داند که یک مسلمان آگاه به تعلیمات اسلامی، تماشاگر صحنه‌های تبعیض و بی‌عدالتی باشد. (مطهری، بی‌تا: 114)

از سویی، در مکتب اخلاقی امام علی(ع)، حق، دارای ارزش ذاتی است (نه ارزش وسیله‌ای) و هیچ‌گاه امام(ع) از آن به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به منافع مادی استفاده نکردند. از ابن عباس نقل شده است: «در ذوقار نزد امیرالمؤمنین رفتم و او نعلین خود را پینه می‌زد. ایشان از من پرسید: بهای این نعلین چند است؟ گفتم: بهایی ندارد. فرمود: به خدا این را از حکومت شما دوست‌تر دارم، مگر آنکه حقی را بر پا سازم یا باطلی را براندزم». (نهج‌البلاغه، خطبه 33)

بزرگ‌ترین خاصیت حق این است که علاوه بر نشان دادن عظمت حق و تکلیف، از طغیانگری ستمگران و تعلی زورگویان جلوگیری می‌کند و اثبات می‌کند که حق و تکلیف قابل شوخی و مسامحه نیست. در هر جامعه و میان دو نفر که رنگ حق و تکلیف مات شود، رنگ حیات نیز از بین می‌رود. (جعفری، 1360، ج 9: 169)

دو اصل عدالت و اصل حق‌طلبی، در مکتب اخلاقی امام علی(ع)، شامل تمام امور و روابط انسانها (بدون در نظر گرفتن روابط دوستی و خویشاوندی) می‌شود. برای امام(ع)، تحقق اخلاقیات بر مبنای این اصول دارای اهمیت است. چنانچه هنگامی که عبدالله ابن عباس، بخشی از بیت‌المال را به عنوان حق خود برداشته بود (جعفری، 1380، ج 4: 387-386)، امام(ع) بدون در نظر گرفتن نسبت خویشاوندی، در مقابل ستم اقتصادی با او برخورد کردند. تنها چیزی که برای ایشان دارای اهمیت بود، اجرای عدالت و حق بود: «پس، از خدا بیم دار و مالهای این مردم را بازسپار و اگر نکنی و خدا مرا یاری دهد تا بر تو دست یابم، کیفریت دهم که نزد خدا عذرخواه من شود و به شمشیریت بزنم که کس را بدان نزد من، جز که به آتش در آمد. به خدا اگر حسن و حسین چنان کردند که تو کردی، از من روی خوش ندیدندی و به آرزویی نرسیدندی، تا آنکه حق را از آنان بستانم و باطلی را که به ستمشان پدید شده، نابود گردانم». (نهج‌البلاغه، نامه 41)

با توجه به مطالب بیان‌شده، گزاره‌های مختلفی بر اخلاق و وظیفه‌گرای قاعده‌نگر در نهج‌البلاغه دلالت دارند و می‌توان معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق برای تعیین بایدها و نیایدهای اخلاقی را دو اصل عدالت و حق‌طلبی معرفی کرد.

با بررسی در متن نهج‌البلاغه، معیارهای تحقق اصل عدالت عبارتند از: رعایت انصاف در روابط انسانها، قرار دادن هر چیز در جای خودش، رعایت مساوات در بین انسانها، رعایت حقوق و اعتدال و میانه‌روی. هنگامی که این ملاکها و معیارها تحقق یابد، عدالت در روابط انسانها اجرا شده است.

جدول 4: معیارهای تحقق اصل عدالت در نهج البلاغه (دانشاد تهرانی، 1394: 37-31)

معیارهای تحقق عدالت در نهج البلاغه	انصاف: الْعَدْلُ الْإِنصَافُ؛ عدالت یعنی انصاف. (حکمت 231)
	قرار دادن هر چیزی در جای خودش: الْعَدْلُ بَضْعُ الْأُمُورِ مَوَاضِعَهَا؛ عدالت کارها را بدان جا می‌نهد که باید (حکمت 437)
	مساوات: فَلْيَكُنْ أَمْرُ النَّاسِ عِنْدَكَ فِي الْحَقِّ سَوَاءً فَإِنَّهُ لَيْسَ فِي الْجَوْرِ عَوَظٌ مِنَ الْعَدْلِ؛ پس باید کار مردمان در آنچه حق است، نزد تو یکسان باشد، که ستم را با عدل عوض ندهند. (نامه 59)
	رعایت حقوق: فَإِذَا أَذَّتْ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَ أَدَى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَ قَامَتْ مَنَافِعُ الدِّينِ وَ اغْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَرَتْ عَلَى أَدْلَالِهَا السُّنَنُ فَصَلِّحْ بِذَلِكَ الرِّمَانُ وَ طَمِعْ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَ تَبَسَّطْ مَطَامِعِ الْأَعْدَاءِ؛ پس چون مردمان حق زمامدار را بگزارند و زمامدار حق مردم را به جای آرد، حق میان آنان بزرگ مقدار شود، راههای دین پدیدارتر، نشانه‌های عدالت برجا و سَنَتَ چنان که باید اجرا. پس کار زمانه آراسته شود و چشم امید در پایداری دولت پیوسته و چشمداشتهای دشمنان بسته. (خطبه 216)
اعتدال و میانه‌روی: عَلَيْكَ بِالْقَصْدِ فِي الْأُمُورِ فَمَنْ عَدَلَ عَنِ الْقَصْدِ جَارٌ وَ مَنْ أَخَذَ بِهِ عَدَلَ؛ بر تو باد به میانه‌روی در کارها؛ زیرا هر که از میانه‌روی روی برگرداند، ستم کند، و هر که بدان پایبند شود، به عدالت رفتار کند. (تیمی آمدی، 1366: 353)	

معیارهای تحقق اصل حق طلبی در نگاه نهج البلاغه عبارتند از: تحقق آنچه واقعیت و امر واقعی است، رسیدن و دستیابی به حقیقت امور، اجازه و اختیار داشتن انسانها در امور مختلف، در نظر گرفتن استحقاق انسانها و انتظار دوسویه و مطالبه حقوق در روابط انسانی. هنگامی که این معیارها تحقق یابد، حق طلبی در روابط انسانها تحقق یافته است.

جدول 5: معیارهای تحقق اصل حق طلبی در نهج البلاغه (دانشاد تهرانی، 1391: 568-565)

معیارهای تحقق حق در نهج البلاغه	واقعیت و امر واقعی: وَاللَّهُ الْجِدُّ لَا اللَّعِبَ وَالْحَقُّ لَا الْكُذِبُ وَ مَا هُوَ إِلَّا الْمَوْتُ (خطبه 132)؛ به خدا که سخن درست است و از روی بازی نیست، حقیقت است و دروغ پردازی نیست [و آن] مرگ است.
	حقیقت: در این معنا حق یعنی ادراک مطابق با واقع که حقیقت است. كَأَنَّ الْمَوْتَ فِيهَا عَلَى غَيْرِنَا كَيْبٌ وَ كَأَنَّ الْحَقَّ فِيهَا عَلَى غَيْرِنَا وَجِبَ (حکمت 122)؛ گویا مرگ را در دنیا بر جز ما نوشته‌اند و گویا حق را در آن بر عهده جز ما هشته‌اند.
	اجازه و اختیار: وَ لَكِنَّ... حَقَّ الْمَسْأَلَةِ (کلام 162)؛ تو را حق پرسش و آگاهی خواستن و کسب دانش است.
	استحقاق: عِبَادَ اللَّهِ أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ الْمَوْجِبَةُ عَلَى اللَّهِ حَقِّكُمْ وَ أَنْ تَسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ تَسْتَعِينُوا بِهَا عَلَى اللَّهِ (خطبه 191)؛ بندگان خدا شما را سفارش می‌کند که پرهیزگاری و ترس از خدا که پرهیزگاری حق خداست بر شما و موجب حق شما شود بر خدا، و اینکه از خدا یاری خواهید در پرهیزگاری و از پرهیزگاری یاری جوید در گزاردن حق حضرت باری.
	انتظار دوسویه و مطالبه: أَمَا بَعْدَ فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بِلَوْلَايَةِ أَمْرِكُمْ وَ لَكُمْ عَلَيَّ مِنْ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ (خطبه 216)؛ اما بعد، همانا خدا بر شما برای من حقی قرار داد، چون حکمرانی شما را به عهده‌ام نهاد، و شما را نیز حق است بر من، همانند حق من که شما راست بر گردن.

از سویی، در مکتب اخلاقی امام علی (ع)، در موارد متعدد به بیان نتایج رعایت این دو معیار در روابط انسانها اشاره شده است؛ چنانچه در خطبه 216، نتایج حاصل از رعایت اصل حق طلبی در بین حاکم و رعیت را چنین معرفی فرموده‌اند: «پس چون رعیت، حق والی را بگزارد و والی، حق رعیت را بجا آرد، حق میان آنان بزرگ مقدار شود و راههای دین پدیدار، نشانه‌های عدالت برجا و سَنَتَ چنانکه باید اجرا. پس کار زمانه آراسته شود و طمع در پایداری دولت پیوسته و چشم آز دشمنان بسته».

183 معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق در نهج‌البلاغه با نگاه بر مکاتب ...

در مقابل، عدم توجه به اصل حق‌طلبی، منجر به تباهی حکومتها و از بین رفتن سود آنان خواهد شد: «ما بعد، آنان که پیش از شما بودند، تباه شدند؛ چون حق مردم را ندادند تا آن را به رشوت خریدند و به راه باطلشان بردند و آنان پیرو آن شدند.» (نامه 79)

حضرت در عهدنامه مالک اشتر، عدم رعایت اصل عدالت و ستم کردن را عاملی برای از بین رفتن سود و قدرت حکومتها معرفی فرموده‌اند: «هیچ چیز چون بنیاد ستم نهادن، نعمت خدا را دگرگون ندارد و کيفر او را نزدیک نیارد... پس حکومت خود را با ریختن خون ناروایی نیرومند مگردان؛ زیرا چنان کاری نه تنها از عوامل ناتوان کردن و سست کردن قدرت، که باعث نابودی و به دست دیگران افتادن هم می‌شود.» (نامه 53)

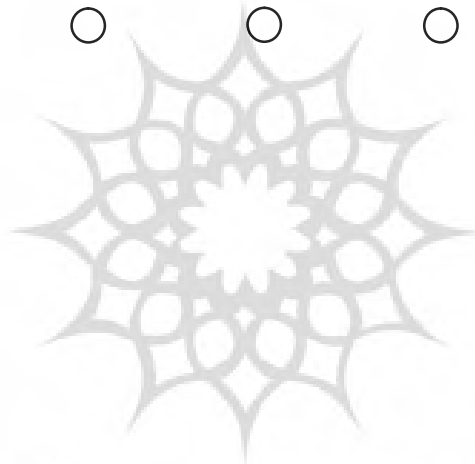
در مکتب اخلاقی امام علی (ع)، تلاش و مجاهدت در مسیر حق، از جمله رفتارهای اخلاقی است که به تحقق اصل حق‌طلبی منجر می‌شود و در صورت ترک این مجاهدت و پذیرش ستم و ظلم، نتایجی چون خواری و فرومایگی نصیب انسان خواهد شد: «هر که جهاد را واگذارد و ناخوشایند داند، خدا جامه خواری بر تن او پوشاند و فوج بلا بر سرش کشاند و در زبونی و فرومایگی بماند. دل او در پرده‌های راهی نهان و حق از او روگردان؛ به خواری محکوم و از عدالت محروم.» (خطبه 27)

در این سخن، در کنار توجه به نتایج مختلف ترک جهاد در راه حق، امام (ع) به دو نتیجه درباره حق و عدالت در این زمینه اشاره کرده‌اند که به خاطر ضایع کردن امر جهاد، حق از انسان گرفته می‌شود و زورگویان و غاصبان طغیانگر هرگز حق را به صاحبان حق نمی‌سپارند و این انسان است که باید قوی باشد و حق خویش را از آنها بگیرد (خطبه 29). نتیجه دیگری که بیان کرده‌اند، محرومیت از عدالت است؛ زیرا طرفداران عدالت اغلب در اقلیت‌اند. اگر در اقلیت کمی نباشند، از نظر کیفیت و قدرت در اقلیت‌اند. به همین دلیل، سلطه‌گران سوجو تا آنجا که بتوانند حقوق ملت‌های مظلوم را پایمال می‌کنند و پیوسته بر مال و جاه و جلال خود می‌افزایند و ملت‌های ستم‌دیده، تنها در سایه جهاد می‌توانند عدالت اجتماعی را تحقق بخشند.

به این ترتیب، امام (ع) در این بخش از خطبه، حقایق مهمی را درباره آثار بزرگ جهاد در سرنوشت جوامع انسانی بیان کرده و ترسیمی بسیار منطقی از مسئله جهاد و فلسفه آن ارائه داده‌اند. این تحلیلها نشان می‌دهد که جهاد، نه تنها به خاطر پادشاهای معنوی سرای دیگر، بلکه به خاطر ارزشهایی که در همین زندگی دنیوی می‌آفریند، باید مطلوب همه باشد و همین نتایج گرانبهاست که تحمل مشکلات جهاد را بر انسان آسان می‌سازد. (مکارم شیرازی، 1375، ج 2: 140-142)

هـ) بحث و نتیجه گیری

با توجه به مطالب بیان شده، در مکتب اخلاقی امام علی(ع) دو اصل عدالت و حق طلبی به عنوان معیارهای ارزش شناختی اخلاق مطرح شده است و معیارهای تحقق عدالت در روابط انسانی عبارتند از: رعایت انصاف در روابط انسانها، قرار دادن هر چیز در جای خودش، رعایت مساوات در بین انسانها، رعایت حقوق و اعتدال و میانه روی؛ و معیارهای تحقق حق در روابط انسانها عبارتند از: تحقق آنچه واقعیت و امر واقعی است، رسیدن و دستیابی به حقیقت امور، اجازه و اختیار داشتن انسانها در امور مختلف، در نظر گرفتن استحقاق انسانها و انتظار دو سویه و مطالبه حقوق در روابط انسانی. گفتنی است با وجود گزاره های متعدد مبنی بر اخلاق و وظیفه گرای قاعده نگر و سودگرایی قاعده نگر در متن نهج البلاغه. این مطلب بدین معنا نیست که این دو دیدگاه اخلاقی به طور کامل منطبق با مکتب اخلاقی امام علی(ع) است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- نهج‌البلاغه، سید رضی (1380). ترجمه سید‌جعفر شهیدی. بر اساس نسخه صبحی صالح.
- ابن میثم بحرانی (1375). شوح نهج‌البلاغه. ترجمه قربانعلی محمدی مقدم و علی‌اصغر نوایی یحیی‌زاده. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- استراوس، انسلم و جولیت کریبن (1385). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افلاطون (1380). دوره آثار افلاطون. ترجمه محمدحسن لطفی و رضا کاویانی. تهران: خوارزمی.
- اسلامی، محمد تقی (1390) «پیام‌گرایی اخلاقی در عرفان اسلامی»، معرفت اخلاقی، ش 6: 23-36
- بهشتی، احمد (1386) از حق به تکلیف؛ تأملی در مفهوم حق و تکلیف در اسلام، خردنامه همشهری، ش 16: 60-63
- پالمر، مایکل (1388). مسائل اخلاقی. ترجمه علیرضا آل بویه. قم: سمت.
- جعفری، سید محمد مهدی (1380). پرتوی از نهج‌البلاغه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جعفری، محمد تقی (1360). ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جاکوبز، جان اتان آ. (1396). فرهنگ اصطلاحات فلسفه اخلاق. ترجمه سید محمدعلی تقوی و زهره علوی. تهران: جباری.
- دانایی‌فرد، حسن (1384). «تنوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرائی: استراتژی مفهوم‌سازی تنوری بنیادی». دانشور رفتار، ش 11: 58-59.
- دانایی‌فرد، حسن و سید مجتبی امامی (1386). «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد». اندیشه مدیریت، ش 2: 81-87.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (1391). «دانشهای درونی و ورودی نهج‌البلاغه» (جزوه دوره دکتری - الکترونیکی). (چاپ نشده).
- دلشاد تهرانی، مصطفی (1391). رخساره خورشید. تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (1379). ماه مهر پرور: تربیت در نهج‌البلاغه. تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (1394). «مفهوم‌شناسی عدالت به منزله راهبرد عدالت با نگاه به جایگاه آن در آموزه‌های امام علی (ع) با تکیه بر نهج‌البلاغه». مجله آموزه‌های نهج‌البلاغه (دانشگاه پیام نور)، ش 1: 37-31.
- سبحانی، جعفر (1420 ق). الرسالة فی التحسین و التقبیح العقلیین. قم: الاعتماد.
- شیراوند، محسن و مختار رنجکش (1395) مقاله‌ی بررسی و تبیین مسئله پیام‌گرایی و تکلیف‌گرایی در آموزه‌های اسلامی، مجله: اخلاق زیستی، ش 19: 7-26
- فرانکنا، ویلیام (1392). فلسفه اخلاق. ترجمه هادی صادقی. قم: کتاب طه.
- فروغی، محمدعلی (1375). سیر حکمت در اروپا. تصحیح امیرجلال‌الدین اعلم. تهران: البرز.
- کاپلستون، فردریک (1380). تاریخ فلسفه (ج 6: از ولف تا کانت). تهران: علمی فرهنگی و سروش.

- کانت، ایمانوئل (1369). بنیاد مابعدالطبیعه. ترجمه حمید عنایت و علی قیصری. تهران: خوارزمی.
- کوئین، فلیپ ال. (1392). «نظریات مبتنی بر امر الهی درباره اخلاق». *دانشنامه فلسفه اخلاق*. پل ادواردز و دونالد ام. بورچرت. ترجمه انشاء الله رحمتی. تهران: سوفیا.
- گنسلر، هری جی (1387). درآمدی جدید به فلسفه اخلاق. ترجمه حمیده بحرینی. تهران: آسمان خیال.
- لارنس، سی. بکر (1380). «سود عمروی». در: *فلسفه اخلاق: مجموعه مقالات برگرفته از دایره المعارف فلسفه اخلاق*. ترجمه امیر خوا. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- محجل، ندا (1391) تکالیف انسان نسبت به دیگران در نگارش کانت و سنت اسلامی، اخلاق، ش 6: 169 - 198
- مصباح یزدی، محمد تقی (1387). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (بی تا). سیری در نهج البلاغه. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (1375). پیام امام: شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مونر، دی. اچ. (1385). «مکتب اصالت فایده». ترجمه سید حسین میرجلیلی. *مجله اقتصادی*، ش 62-61: 78.
- هولمز، رابرت ال. (1385). مبانی فلسفه اخلاق. ترجمه مسعود علیا. تهران: ققنوس.
- Nahj al-Balagheh. Sayyed Rezi (2001). Translated by Seyyed Jafar Shahidi. Based on Sabhi Saleh's Prescription.
- Beheshti, Ahmad (1386) How right is costed; reflect on the concept of truth and the cost of Islam, *Khardanamah Hamshahri*, 16: 60-63
- Copleston, Frederick (2001). **The History of Philosophy (J. 6: from Azul to Kant)**. Tehran: Soroush.
- Danaei Fard, Hassan & Sayyed Mojtaba Emami (2007). "Qualitative Research Strategies: Reflection on Foundation Data Theory". *Andisheh Management Journal*, 2: 81-87.
- Danaei Fard, Hassan (2005). "Theoreticalization Using Inductive Approach: Conceptualization Strategy of Fundamental Theory". *Daneshvar Journal of Behavior*, 11: 58-59.
- Delshad Tehrani, Mostafa (2000). **Mehrpavar: Training in Nahjul Balagheh**. Tehran: Sea.
- Delshad Tehrani, Mostafa (2012). "Doctoral-Electronic Booklet on Nahjul Balagheh's Inner and Incoming Knowledge".
- Delshad Tehrani, Mostafa (2012). **Sun Facies**. Tehran: Sea.
- Delshad Tehrani, Mostafa (2015). "The Concept of Justice as a Strategy of Justice by Looking at its Place in Imam Ali's Teachings Based on Nahj al-Balagha". *Journal of Nahj al-Balagha Teachings* (Payame Noor University), 1: 31-37.
- Foroughi, Mohammad Ali (1996). **The Power of Wisdom in Europe**. Correction by Amir Jalaluddin Aalam. Tehran: Alborz.

- Frankena, William (2013). **Philosophy of Ethics**. Translated by Hadi Sadeghi. Qom: The Book of Taha.
- Gonzler, Harry J. (2008). **A New Introduction to Philosophy of Ethics**. Translated by Hamideh Bahraini. Tehran: Sky of Imagination.
- Holmes, Robert L. (2006). **Foundations of Philosophy of Ethics**. Translated by Massoud Olya. Tehran: Ghoghnu.
- Ibn Maysam Bahrani (1996). **Description of Nahj al-Balagha**. Translation by Ghorbanali Mohammadi Moghadam & Ali Asghar Navaee Yahyazadeh. Mashhad: Islamic Studies Foundation of Astan Quds Razavi.
- Islami, Muhammad Taqi (1390) "An ethical view of Islamic recognition", *Maarif Ethik*, St. 6: 23-36
- Jacobs, Jonathan A. (2017). **The Reformation Culture of Philosophy of Ethics**. Translated by Seyed Mohammad Ali Taghavi & Zohreh Alavi. Tehran: Jabari.
- Jafari, Mohammad Taghi (1981). **Translation and Interpretation of Nahj al-Balagheh**. Tehran: Islamic Culture Publication Office.
- Jafari, Seyyed Mohammad Mehdi (2001). **Beam of Nahj al-Balagheh**. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Kant, Immanuel (1990). **The Foundation for the Metaphysical**. Translated by Hamid Annayat & Ali Gheisari. Tehran: Kharazmi.
- Lawrence, C. Becker (2001). "**Profit Paper**". In: *Philosophy of Ethics: Proceedings of the Philosophy of Ethics Encyclopedia*. Translation by Amir Khwa. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Mahjal, Nada (1391) The costs of a person with whom Diran Der Narshwas attributed were and enacted Islam, ethics, St. 6: 169-198
- Makarem Shirazi, Nasser (1996). **The Message of the Imam a New and Public Commentary on Bur Nahj Al-Balagheh**. Tehran: Dar al-Kutb al-Islami.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2008). **Review of Ethical Schools**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Motahhari, Morteza (BT). **Siri in Nahj al-Balagha**. Tehran: Sadra.
- Mouner, D.H. (2006). "**School of Utility Originality**". Translated by Seyed Hossein MirJalili. *Economic Journal*, 61-62: 78.
- Palmer, Michael (2009). **Ethical Issues**. Translated by Ali Reza Al-Bouyeh. Qom: samt.
- Plato (2001). **Plato's Works**. Translated by Mohammad Hassan Lotfi & Reza Kaviani. Tehran: Kharazmi Publication.
- Queen, Flip L. (2013). "**Essay based on the Theories of the Divine**". In: *Encyclopedia of Ethics*. Paul Edwards & Donald M. Burchert. Translation by Insha'Allah Rahmati. Tehran: Sophia.

- Sherawand, Mohsen and Mokhtar Rinjakish (1395), article by President and identification of the ethical finalism, teleology and moral duty Dar Amuzhahahai Islami, Journal: Ethics of Zisti, St. 19: 7-26
- Sobhani, Ja'far (1420 AH). **Al-Rasallah fi al-Tahsin and al-Taqibih al-Alqilin**. Qom: al-Etemad.
- Strauss, Anselm & Juliet Karbin (2006). **Principles of Qualitative Research Methodology: Basic Theory, Procedures and Practices**. Translated by Buick Mohammadi. Tehran: Humanities and Cultural Studies Institute.

